

رسول جعفریان

نسخه خوانی (۱۴)

۱۷-۳۱

رسول جعفریان

چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر در قالب دوازدهمین سلسله انتشارات با عنوان نسخه خوانی، متن چند نسخه را مورد مذاکره قرار داده است. این متون بدین شرح اند: نگار خانم دختر عباس میرزا، چه شعری روی سنگ مزار ابوعلی سینا نوشت؟ شرح حال خودنوشت سعید نفیسی در سال ۱۳۲۶ شبکه تلگراف ظل السلطان و مناطق اطراف اصفهان یادداشتی از عصر ظل السلطان درباره مدرسه نوریه خاطره‌ای از علی آباد و حسن آباد راه قم، تهران یادداشت‌هایی مهم از وضعیت مسجد الحرام و برخی از کتیبه‌های آن اطلاعاتی درباره شاهان صفوی در یک نسخه بیتي از شاه عباس اول

کلیدواژه: نسخه خوانی، نسخه خطی، خوانش متون

Skimming Manuscript (14)

By: Rasool Ja'fariān

Abstract: In the form of the fourteenth article of a series of publications titled "Skimming Manuscripts", the author has scrutinized the texts of several manuscripts. These texts are as follow: What poem did Negār, Abbas Mirza's daughter, write on Avicenna's grave stone? Sa'īd Nafisi's autobiography written in 1326. Telegraph system in Zell-e Soltan era, and the areas around Isfahan. A note left from Zell-e Soltan era about Nooriya School. A memory from Ali Ābād and Hasan Ābād on Qom-Tehran road. Some important notes about Mas'jid al-Haram's condition and some of its inscriptions. Some information regarding Safavid monarchs in one manuscript. A verse by Shah Abbas I.
Key words: Skimming manuscripts, manuscript, reading the texts.

قراءات في المخطوطات (۱۴)

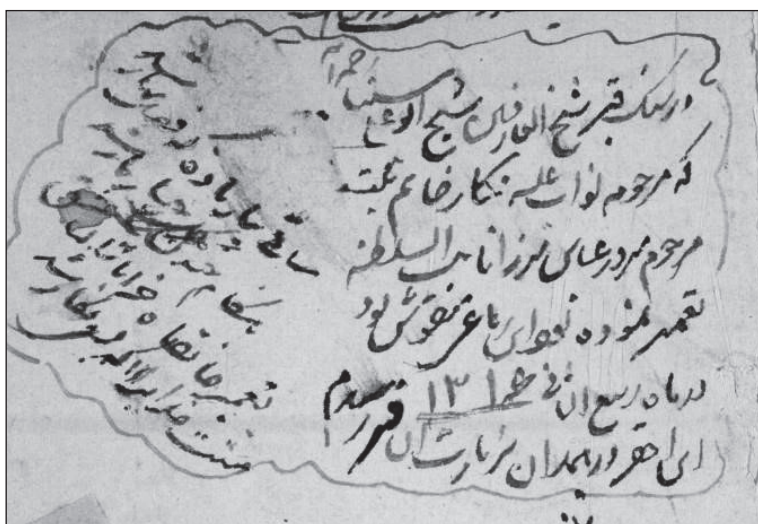
رسول جعفریان

المخالصة: يقدم الكاتب في مقاله الحالي . الذي يمثل الحلقة الرابعة عشرة من سلسلة مقالاته عن المخطوطات . نصوص عدد من النسخ مع ملاحظاته النقدية عليها. والنصوص هي:
۱. ما هو الشعر الذي كتبه نگار خانم ابنة عباس میرزا على صخرة ضريح ابوعلی سینا ؟
۲. السيرة الذاتية التي كتبها سعید نفیسی في سنة ۱۳۲۶.
۳. شبكة برق ظل السلطان ومناطق ضواحي اصفهان.
۴. خواطر حول المدرسة النورية تعود لعصر ظل السلطان.
۵. خاطرة عن قريتي علي آباد وحسن آباد في جادة قم . طهران.
۶. خواطر مهمة عن حالة المسجد الحرام وبعض كتاباته الجدارية.
۷. معلومات واردة في إحدى المخطوطات حول الملوك الصفويين.
۸. أحد الأبيات عن الشاه عباس الأول.
المفردات الأساسية: مطالعة المخطوطات، المخطوطة، قراءة النصوص.

نسخه خوانی (۱۴)

— رسول جعفریان

نگار خانم دختر عباس میرزا، چه شعری روی سنگ مزار ابوعلی سینا نوشت؟



تویسرکانی نوشته است: در سنگ قبر شیخ العارفین شیخ ابوعلی سینا (رحمه الله) که مرحوم نواب علیه نگار خانم بنت مرحوم مبرور عباس میرزا نایب السلطنه تعمیر نموده بود، این رباعی منقوش بود. در ماه ربیع الثانی ۱۳۱۶ این احقر در همدان به زیارت قبر رسیدم.

ساقی بیار باده که فصل بهار شد
هنگام چیدن گل رخسار یار شد
تعمیر خانقاه خراباتیان عشق
منت خدای را که بسعی «نگار» شد

شرح حال خودنوشت سعید نفیسی در سال ۱۳۲۶

دفتری شامل اجازتی که علمای وقت ایران و عراق برای مرحوم حسین عمادزاده نوشته‌اند، از سوی برادرزاده ایشان و دوست عزیز جناب غلامحسین عمادزاده در اختیار بنده قرار گرفت. در میانه این دفتر، شرح حال خودنوشتی به خط خود سعید نفیسی وجود دارد که بخشی شامل شرح حال او و قسمتی هم شامل فهرست آثار او تا سال ۱۳۲۶ است. درباره وی و آثارش فراوان نوشته شده و شاید نوشته مرحوم ایرج افشار در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (آبان ۱۳۵۱، شماره ۷۸) کامل‌ترین فهرست از آثار نفیسی باشد. در مقدمه همان مقاله، مرحوم افشار مطالب و نکاتی هم درباره سعید نفیسی نوشته که خواندنی است. آنچه ذیلاً می‌آید، چنان‌که گذشت، اولاً به قلم خود نفیسی است، ثانیاً زمان آن محدود و تا سال ۲۶ است. درگذشت وی در ۲۲ آبان ماه ۱۳۴۵ اتفاق افتاد، اما متن نوشته:

پس از اجازاتی که اجله دانشمندان در صحایف پیشین در حق دانشمند مکرم آقای حاج آقا حسین عمادزاده نوشته‌اند، سخنان اجوف این ناتوان در یوزه‌خواه راه دانش، اگر جز امتثال و اجابت آقای عمادزاده محملی نمی‌داشت، گستاخی و خیره‌سری به شمار می‌رفت؛ و این که آقای عمادزاده از این تهی دست خواستار شده‌اند شمه‌ای در احوال و مؤلفات خویش برین صحایف یادگار گذارد، تنها از نظر این که جوانان و آیندگان را بدین وسیله یادآور شوم که روزگار شریف و عمر عزیز را به بطالت و به هرزگی نگذارند، این دعوت ایشان را واجب شمردم، وگرنه زندگی روحانی و جسمانی من و مؤلفات ناچیز من در بر آنچه از دانشمندان جهان مانده است، چه ارزشی تواند داشت جز آن که هرچه ایشان گفته‌اند، من نیز به نوبت خویش واگوی کرده‌ام.

ولادت این ناتوان در طهران در روز هیجدهم خردادماه ۱۲۷۴ روی داده است. پدر مرحوم دکتر میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء. تغمده الله بغفرانه. از خاندان کهن و دانشمند و دانشمندزاده بود، و نسبش به مرحوم حکیم برهان الدین نفیسی بن عوض بن حکیم کرمانی، پزشک معروف، مؤلف شرح اسباب و کتاب‌های دیگری رسید و مادرم از خاندان میرزا آقاخان اعتمادالدوله ولد صدراعظم نوری. طیب الله رسمه است.

تحصیلات ابتدایی معمول زمان را نخست در مدرسه شرف و سپس در مدرسه علمیه طهران به پایان رسانده و سپس برای تکمیل معلومات، در عنفوان شباب به اروپا رفته‌ام، و چندی در سویس و فرانسه کسب دانش کرده، و در بازگشت از این سفر، گاهی به تدریس و زمانی به خدمت در ادارات مختلف دولتی روزگار گذرانیده، و در ضمن به ذوق طبیعی و سائقه جبلی موروثی به تحریر و تألیف آغاز کرده، و اندک‌اندک مراحل ادب و تاریخ را پیموده، و در ظاهر از آغاز تأسیس دانشگاه طهران به خدمت در راه دانش مفتخر آمده، و اینک تدریس تاریخ ادبیات ایران و تاریخ تمدن ساسانیان در دانشکده ادبیات به این ناتوان سپرده شده است؛ و از آغاز تشکیل فرهنگستان ایران به شرف عضویت آن نائل آمده‌ام.

مؤلفات این ناتوان، به جرعه کثیر نزدیک به دویست مقاله که در رشته‌های مختلف تاریخ و ادب در معروف‌ترین و رایج‌ترین روزنامه‌ها و مجلات فارسی انتشار داده و باید در مجموعه‌های جداگانه گرد آید، و شاید بیش از بیست مجلد را فرا گیرد؛ شامل یک عده کتابها و رسائلی است که چاپ شده و عده دیگر چاپ نشده و به تدریج انتشار خواهد یافت. و گذشته از آن، عده‌ای کتابهای اساسی نظم و نثر فارسی را که در نخستین درجه اهمیت و اعتبار است مقابله و تصحیح کرده و به خط خود نوشته است، تا اگر روزی بخواهند آنها را چاپ کنند، نسخه معتبری در میان باشد. آنچه از مؤلفات چاپ شده بدین گونه است:

احوال و اشعار رودکی در سه مجلد، مجلدات ۷، ۸، ۹، و ۱۰ شاهنامه چاپ بروخیم، فرهنگنامه پارسی مجلد اول، احوال و اشعار عطار، دیوان عطار، دیوان ابن یمن، رباعیات افضل الدین کاشانی، رباعیات خیام، تاریخ بیهقی دو مجلد، آثار گمشده ابوالفضل بیهقی، ترفیات ایران در عصر پهلوی، تاریخ گیتی‌گشای میرزا محمد صادق نامی، دستور الوزرای خواند میر، احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، پوشکین، فرنگیس، ستارگان سیاه، در پیرامون احوال و اشعار حافظ، سیر العباد الی المعاد سنایی، دیوان لامعی گرگانی، احوال و آثار خواجه، قابوس نامه، منتخب قابوس نامه، پندنامه انوشیروان، رساله فریدون بن احمد سپهسالار در احوال مولوی، مواهب الهی معین الدین یزیدی، فنود سار (فرهنگ نفیسی)، تألیف مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء در چهار مجلد، دیوان جنید شیرازی، رساله مجدییه، یزدگرد سوم، آخرین یادگار نادرشاه، مجله شرق یکسال،



روزنامه امید، یادگار دوستانه، نمونه‌ای از آثار پوشکین، مدرسه نظامیه بغداد، مجدالدین همگر شیرازی، شیخ زاهد گیلانی، تاریخچه ادبیات ایران که در سالنامه پارس متدرجاً منتشر می‌شود، خاندان طاهریان، تاریخ قاجارها که در روزنامه شفق سرخ چاپ شده است، ده مقاله، تاریخ ساسانیان که در زیر چاپ است، پیشرفت‌های فرهنگی در اتحاد شوروی، سازمان آموزش عمومی در اتحاد جماهیر شوروی، تاریخ عمومی قرون معاصر، خاندان سعدالدین حمویه در زیر چاپ، نظامی گنجوی در زیر چاپ، ابوالعلاء گنجوی در زیر چاپ، خاندان بابویه قمی، هفتادسال عمر، پنجاه سال خدمت به دانش در احوال و مقامات آقای عبدالعظیم قریب، فرهنگ فرانسه و فارسی دو مجلد، فرهنگ کوچک فرانسه به فارسی که در زیر چاپ است.

کتابهایی که اخیراً از تألیف آنها فارغ آمده و تدریجاً انتشار خواهد یافت:

زبان دری و زبان پهلوی، زبان آذربایجانی، فهرست کتابهای اروپایی درباره لهجه‌های ایرانی به زبان فرانسه، کلمات مخترم به «اویه».

کتابهایی که از زبانهای اروپایی ترجمه کرده است: صنعت تخم نوغان ایران، تاریخ ترکیه، حفظ‌الصحه دندان، سرانجام آلمان.

گذشته از این چنان‌که از این پیش هم اشاره رفت، عده‌ای از کتابهای اساسی نظم و نثر فارسی را که نسخه‌های معتبر و منقح از آنها در میان نبوده است، تصحیح و مقابله کرده و نسخه‌های قاطع و مصحح به خط خود نوشته است که اگر روزی بخواهند چاپ کنند، بکار آید. و آنچه تاکنون از کار درآمده، بدین گونه است:

دیوان مشتاق اصفهانی، نصاب نظام تبریزی، دیوان سیف‌الدین اسفرنگی، دیوان عبید زاکانی، دیوان ادیب ناصر دیلمی، اشعار باباطاهر عریان همدانی، دیوان کمال اصفهانی، دیوان اثیرالدین اخسیکتی، دیوان اثیرالدین اومانی، دیوان امیر معزی، دیوان محمود خان ملک الشعراء، مثنوی وفای فراهانی، مجمع الانساب شبانکاره‌ای، رباعیات منسوب به امام‌اعظم خيام، اشعار ابوسعید ابوالخیر مهبینی، اشعار رودکی، دیوان سروش اصفهانی، دیوان صابر ترمذی، اشعار بدرالدین جاجرمی، دیوان نظام استرآبادی، دیوان اوحدی مراغی، اشعار رضوان علیشاه، دیوان نزاری قهستانی، دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق، دیوان مجیرالدین بیلقانی، دیوان میلی هروی، مختارنامه عطار، کلمات علیه مکتبی، دیوان مسعود سعد سلمان، دیوان ابوالفرج رونی، دیوان عمادی شهریاری، دیوان قطران ارموی، دیوان عثمان مختاری، سیرالعباد الی المعاد سنایی، تاریخ زندیه محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک، رساله معاد ابن سینا، کشف‌المحجوب ابویعقوب سگزی، گشایش و رهایش ناصر خسرو، عبرت نامه عبدالرزاق مفتون دنبلی، دیوان شمس‌الدین طبسی، دیوان امامی هروی، آثار الوزرای عقیلی، تذکره ناظم تبریزی، اشعار صبوحی قمی، کارنامه بلخ سنایی، دیوان نظامی گنجوی، مدارج‌الکمال افضل‌الدین کاشی، کتاب السوانح احمد غزالی، رباعیات بابا افضل، دیوان رشیدالدین وطواط، دیوان سید سراج‌الدین سگزی، اشعار غیبی شیرازی، مکاتیب فارسی غزالی، تحفه [حدیقه؟] ناصریه میرزا علی اکبر وقایع‌نگار، دیوان مجد همگر شیرازی، منتخب جوامع الحکایات

و لوامع الروایات محمد عوفی، دیوان نجیب الدین جرفادقانی، دیوان فارسی فضولی بغدادی، دیوان عبدالواسع جبلی، دیوان سوزنی سمرقندی، دیوان لامعی گرگانی، دیوان عمیق بخاری، دیوان طوفان هزار جریبی، تاریخ جدید یزد، تاریخ یزد جعفری، فرهنگ اسدی، دیوان ادیب الممالک فراهانی، دیوان فرخی سیستانی، دیوان نظام وفا کاشانی، داستان امیراحمد و مهستی، دیوان شیخ علی نقی کمره‌ای، ترجمه محاسن اصفهان مافروخی، دیوان کلیم کاشانی، دیوان خواجو کرمانی، دیوان جلال طیب، دیوان ناصر بخاری، کلیات میر کرمانی، کلیات عماد فقیه کرمانی، فتوحات امینی هروی، دیوان سیدحسن غزنوی، دیوان ابن یمین، کلیات عراقی، دیوان حسینی هروی، دیوان ابن حسام، دیوان همام تبریزی، دیوان شریف آملی، دیوان رضی، دیوان عارفی، دیوان لسانی، دیوان ایرج میرزا جلال الممالک، مثنوی صفایی نراقی، قلب منقلب سعدالدین حموی، رساله روزبهان شیرازی، منتخبات صائب تبریزی.

این است فهرست آنچه تا تاریخ تحریر از زیر قلم بیرون آمده است و به جز این نیز مؤلفاتی دیگر دارد که مشغول تکمیل آنهاست، مانند تاریخ آل زیار، و تاریخ غزنویان، و تاریخ سامانیان، و تاریخ دانش و فرهنگ در ایران، و تاریخ ادبیات ایران، و تذکره شاعران فارسی زبان، و تاریخ معارف جدید در ایران. و در این چند روز به تصحیح و مقابله زین الاخبار گردیزی دست یازیده است.

طهران اردی بهشت ماه ۱۳۲۶

سعید نفیسی

شبکه تلگراف ظل السلطان و مناطق اطراف اصفهان

به نظرم هنوز درباره اسناد تلگراف به عنوان پژوهشی سندشناسانه، کاری درخور صورت نگرفته یا بنده ندیده‌ام؛ سیستمی که برای بیش از ۱۵۰ سال یک وسیله ارتباطی بسیار مهم و اساسی بود. در روزگاری که تلفن در کار نبود و حتی پس از آن و نیز آمدن بیسیم، تا چندین دهه، تلگراف به عنوان ابزاری مطمئن، سریع و نسبتاً کم هزینه توانست نقش مهمی در اطلاع‌رسانی بر عهده بگیرد. اخیراً مجموعه‌ای از اسناد تلگرافی را دیدم که مربوط به سال ۱۳۰۶ بوده و بخشی از شبکه تلگرافی است که ظل السلطان میان اصفهان و مناطق اطراف برقرار کرده است. می‌دانیم که ظل السلطان زمین‌های مرغوب را اجاره می‌کرد و با استفاده از کشاورزان کم هزینه، آن هم زیر نظر گماشتگان قدر خود، بر ثروت خود می‌افزود. استفاده از تلگراف برای ایجاد ارتباط بین اصفهان و کرون عنوان مجموعه‌ای است که بنده دیدم. موارد مشابه دیگری هم هست، اما جالب است که این تلگرافات در دفتری یا اوراقی جدا نوشته و نگهداری می‌شده است. فقط یک شمش تاریخی یا اقتصادی برای استفاده از آنها می‌توانست عامل باقی ماندن بخشی از این تلگرافات باشد. ظل السلطان یک طرف و مشیرالملک طرف دیگر، با خیال راحت مطالب خود را در تلگراف می‌نویسند و نشان می‌دهند که تلگراف آنی نیست که معمولاً در متن‌های کوتاه، بدون فعل و با ایما و اشاره نوشته می‌شود. آنها شعر می‌نویسند و مسائل جاری را توضیح داده و بدون محدودیت، شرح و بسط می‌دهند. این تلگرافات می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ اجتماعی اصفهان باشد. یک نمونه از این تلگرافات را می‌آورم. تلگراف اول از ظل السلطان و پاسخ آن از مشیرالملک است. در یکی از اینها نمونه مخابره

حرف‌های عادی و محرمانه را هم ظل‌السلطان شرح می‌دهد:

جمعه ۱۸ ربیع‌الاول

جناب مشیرالملک

آغاباشی در تلگرافش عرض کرده بود که روز عید است، یک شعری برای ما عرض کند. چند قطعه شعر من به نظم آمد برای من و شما و او و هر کس بشنود، اسباب عبرت و تنبیه بود، نوشتم. خیلی خوب است شخصی متصلاً ورد زبانش باشد. [شعر سعدی با تغییراتی]:

جهان بگشتم و آفاق سر به سر دیدم	نه مردمم اگر از مردمی اثر دیدم
ز روزگار همیمن حالت‌م پسند آمد	که زشت و خوب و بد [و] نیک درگذرد دیدم
بر این صحیفه مینا به خامه خورشید	نگاشته سخنی خوش به آب زر دیدم
که ای به دولت ده روزه گشته مستظهر	مباش غره که از تو بزرگتر دیدم
کسی که تاج زبرجد صبح بر سر داشت	نماز شام ورا خشت زیر سر دیدم

اما حکایت تلگراف و مطالبش چون اینجا چند نفر تلگرافچی به جهت کوک کردن اسباب است، محرر آقا را هم اینجا گذاشتم. شما مطالب رسمانه را چنانچه هست بگویید، می‌گیرند و به ما می‌رسانند. ولی مطالب محرمانه که دارید به میرزا باقرخان بگویید به محمود آقا اول بگوید تلگرافخانه را خلوت کند، آن وقت به محمود آقا بگوید. او خودش می‌گیرد و به ما می‌رساند. و جواب هم به توسط خود او گفته می‌شود. ظل‌السلطان.

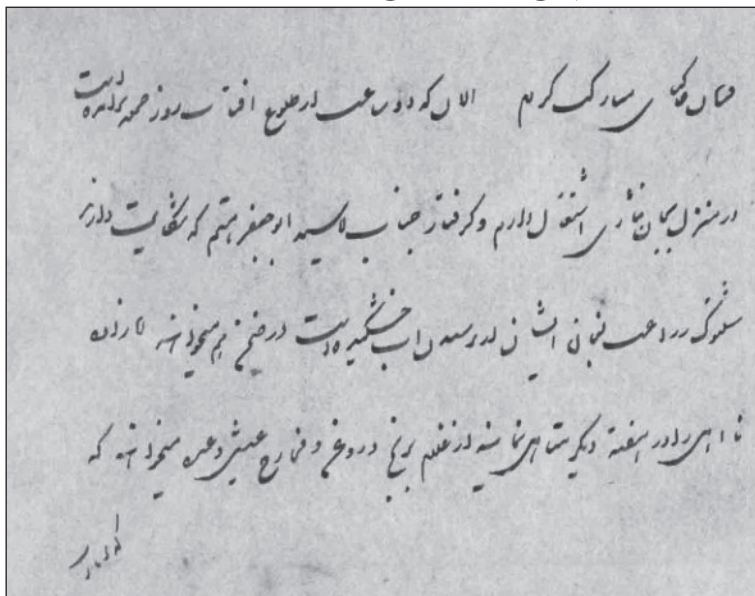
قربان خاک پای مبارکت گرم

الان که دو ساعت از طلوع آفتاب روز جمعه برآمده است در منزل به جان نثاری اشتغال دارم و گرفتار جناب آقا سید ابوجعفر هستم که شکایت دارند شلتوک زراعت لبنان ایشان از رسیدن آب خشکیده است. در ضمن هم می‌خواهند آقا زاده نااهل را در هفته دیگر متأهل نمایند، از غلام برنج و روغن و مخارج عیش

و غیره می‌خواهند که به زیارت تلگراف مبارک نائل شدم. و از وقتی که خاطر انور قرین بساط و انبساط بوده است، شکرگزاری نمودم.

خداوند جان هزار مثل غلام را تصدق وجود مبارک بگرداند، در حقیقت چند شعری که به نطق مبارک فرمایش شده بود، اندرز حکیمانه است و باید حکمای روزگار از آن پند بگیرند و به کار بندند که اسباب نجات دنیا و آخرت است. و این اشعار به مصداق کلام الملوک ملوک الکلام بود.

آغاباشی هم چون در زیر سایه مبارکت تربیت شده است، الحق در نظم و نثر و همه خدمتی گل‌کاری



می‌کند، چه جای گل‌کاری که بر هر باغبانی مزیت دارد، و در هر خدمتی در صدق عقیدت جان‌نثاری دارد، مخصوصاً روز گذشته بابت هیزم غلام را نزدیک بود آتش بزند. بابت تلگرافات محرومانه هم در حقیقت غلام حیرت داشت، و این تلگراف مبارک رفع اشکال نمود و به نحو مقرر اطاعت خواهد داشت.

غلام حبیب‌الله

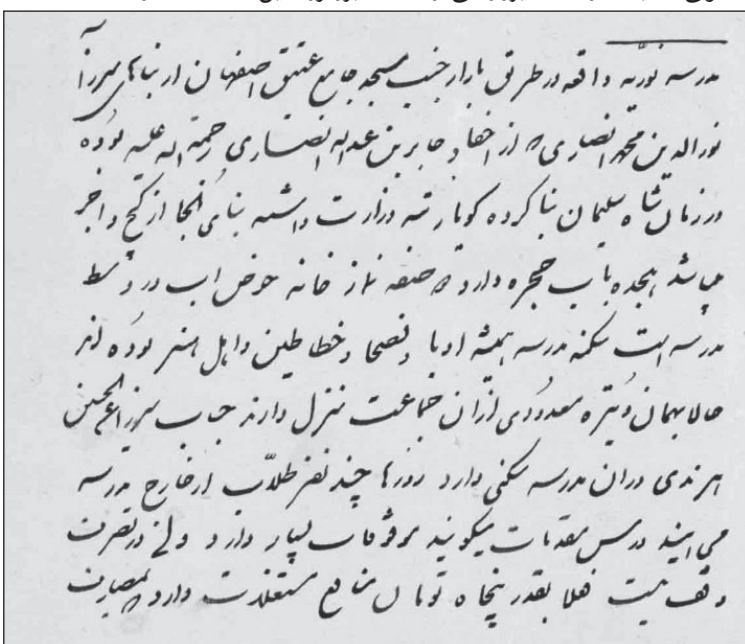
و یک تلگراف دیگر:

تصدق حضورت شوم

خلیل و نواب و اسمعیل و مرتضی همه بندگانند خسروپرست، و بندگان حاضرند. امروز خیلی سرد بود، اما برف چندان نیست. شکار هم زیاد است و فردا را هم تشریف فرمای شکار می‌شوند. تفنگدارباشی عرض می‌کند جناب مستطاب رفته آنجا را دیده، اگر امسال یک قدری دیر شده، سال آینده را شصت خروار حکماً زرع خواهد شد. بنده ارادتمند ابراهیم خلیل.

یادداشتی از عصر ظل السلطان درباره مدرسه نوریه

مدرسه نوریه واقعه در طریق بازار جنب مسجد جامع عتیق اصفهان از بناهای میرزا نورالدین محمد انصاری که از احفاد جابرین عبدالله انصاری (رحمة الله) علیه بوده، در زمان شاه سلیمان بنا کرده، گویا رتبه وزارت داشته. بنای آنجا از گچ و آجر می‌باشد. هیجده باب حجره دارد و دو صفا، نمازخانه، حوض آب در وسط مدرسه است. سکنه مدرسه همیشه ادبا و فصحا و خطاطین و اهل هنر بوده‌اند. حالا به همان وُتیره، معدودی از آن جماعت منزل دارند. جناب میرزا عبدالحسین هرنندی در آن مدرسه سکنا دارد. روزها چند نفر طلاب از خارج مدرسه می‌آیند، درس مقدمات می‌گویند. موقوفات بسیار دارد، ولی در تصرف وقف نیست. فعلاً به قدر پنجاه تومان منافع مستغلات دارد که به مصارف خادم و صرف روشنایی مدرسه می‌رسد. از این پنجاه تومان را کارگزاران حضرت مستطاب اشرف قریب به ده سال است که مستمراً از بابت مزرعه جشیران کرّون که مخروبه بوده است و به قواعد شرع اجاره فرموده‌اند، مستمراً هر سال مرحمت می‌فرمایند. تاریخ بنای مدرسه مطابق وقفنامه‌چه و کتیبه در مدرسه سنه اربع و ستین الف [و] مائه [کذا] هجری است ۱۱۶۴. متولی حالیه مدرسه آقامیرزای از احفاد میرزا نورالدین محمد انصاری است.



خاطره‌ای از علی‌آباد و حسن‌آباد راه قم. تهران

متن زیر را در یک یادداشت خطی از دوره صدارت میرزا علی اصغر خان اتابک یافتیم. اشاره‌ای به علی‌آباد، و آبادی آن در این دوره دارد. یادی هم از حسن‌آباد و بانی کاروانسرای آن شده است. ما تقریباً ۳۵ سال است که دست‌کم در هر هفته، یک یا دو بار تابلوی حسن‌آباد و علی‌آباد را می‌بینیم. البته علی‌آباد شکوهی را که آن زمان داشته، گویا حالا ندارد و ما اصلاً جز یک روستای مخروبه چیزی نمی‌بینیم. ای‌کاش این راه قم. تهران ده برابر این آباد می‌شد که امکانش هم هست، اما نمی‌دانم چرا در این مملکت، حس آبادی و میدان دادن به این فعالیت‌ها وجود ندارد:

امروز مهمان شخصی هستیم که از جانب حاجی محمد علی خان مستاجر علی‌آباد این جاست که اسمش را فراموش کرده‌ام. من هم خواب را کنار گذاشته، برخاستم چای خوردیم. نهار هم تدارک خوبی دیده بود. بادنجان سرخ کرده، آبگوش، ماست، کره، یخ هم داشت که در تابستان خیلی مطلوب می‌شود. خیار، گرمک هم بود. بعد از نهار استراحت کردیم.

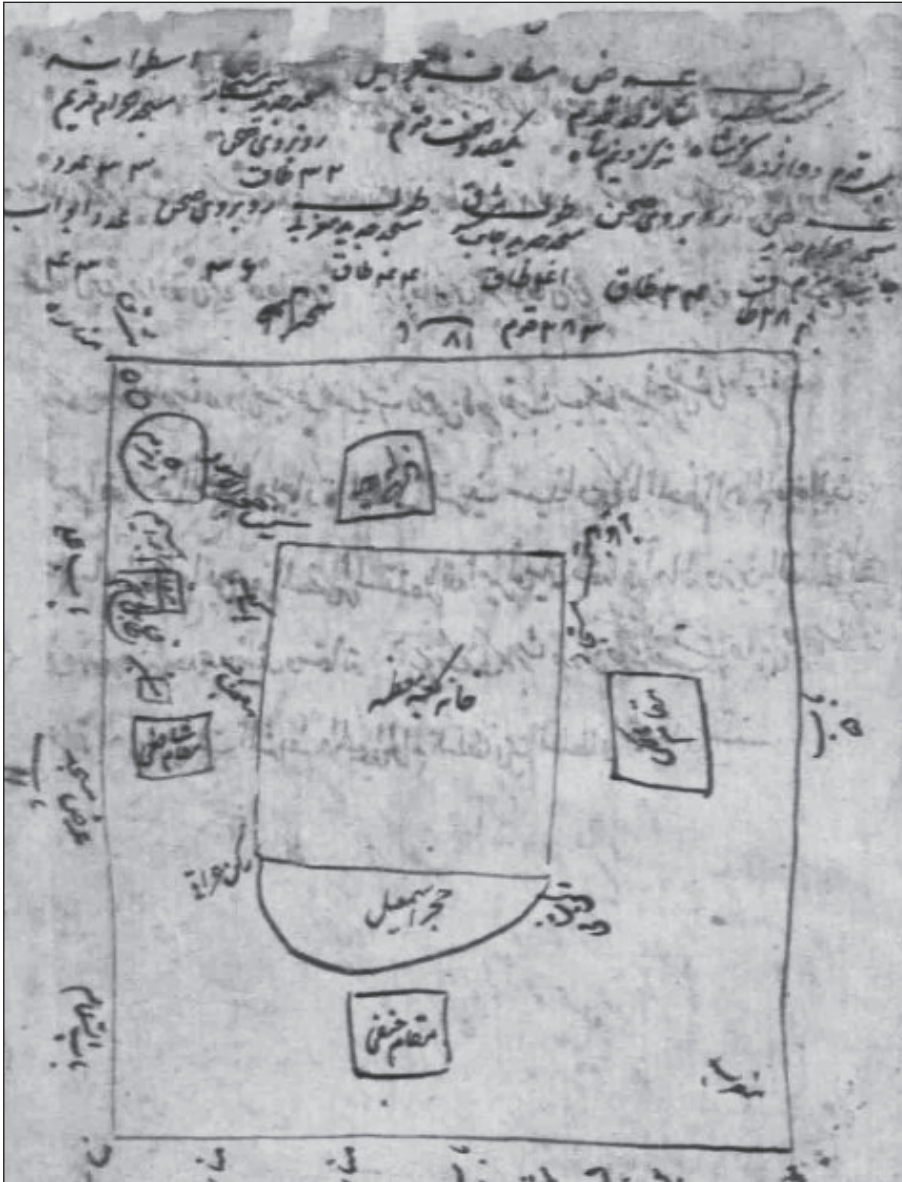
عصر هم چایی آوردند، شب هم پلو بسیار خوبی با خورش بادنجان خورده، سوار شدیم. علی‌آباد از جایی شده که در همه ایران منزلی به این باصفایی وجود ندارد. باغ بسیار خوب دارای هر قسم میوه‌جات، مهمان‌خانه، بسیار خوب، خلاصه هر کس آنجا برود، میل به توطن می‌کند و با خود می‌گوید کاش تمام منازل این طور بودند. الحق حضرت صدارت عظمی تاکنون پنجاه شصت هزار تومان مخارج اینجا کرده‌اند.

از علی‌آباد حرکت کردیم، آمدیم قلعه محمد علی خان پیاده شدیم. چای رو خورده دوساعتی آنجا مکث کرده، بعد سوار شدیم. روز دیگری ساعت از آفتاب گذشته به کاروانسرای حسن‌آباد رسیدیم که میرزا حسن خان شوکت تازه ساخته. پیاده شده، رفتیم بالاخانه سردر خوابیدیم. نزدیک ظهر برخاسته نانی خوردیم. سماوری آتش کردیم. مشغول خوردن چای شدیم. استاد عباسقلی رفت قدری انگور و گرمک برداشت آورد.

یادداشت‌هایی مهم از وضعیت مسجد الحرام و برخی از کتیبه‌های آن

گزارشی از وضعیت کعبه و برخی از کتیبه‌های آن در جنگی آمده است که برخی از یادداشت‌های آن صفوی و شماری قاجاری است. در این گزارش که علی‌القاعده توسط یک زائر ایرانی و طبعاً فاضل نوشته شده، ابتدا مشخصات آماری درباره طول و عرض کعبه، مطاف و شمار طاق‌ها یا اسطوانه‌های اطراف آمده است. پس از آن زیر آن نقشه‌ای به صورت درستی از مسجد الحرام و اجزاء آن کشیده شده و محل مناره‌ها هم مشخص شده است.

در ادامه، شماری از کتیبه‌های مکه شامل کتیبه‌ای از مزار ابوطالب و خدیجه و نیز برخی از کتیبه‌های داخل مسجد الحرام آمده است. این کتیبه‌ها از قرن ششم تا قرن یازدهم هستند. محتمل است که برخی از این نکات تازه باشد.



طول کعبه معظمه: بیست قدم، دوازده گز شاه
 عرض: شانزده قدم، نه گز ونیم شاه
 مطاف ... یک صد و هفت قدم
 مسجد جدید سمت مستجار روبروی صحن: ۳۲ طاق
 اسطوانه مسجد حرام قدیم: ۳۳ عدد
 عرض مسجد الحرام جدید جانب زمزم: ۲۸ طاق
 روبروی صحن: ۲۴ طاق
 طول مسجد جدید مغربی: ۴۴ طاق
 روبروی صحن: ۳۶ [طاق]
 عدد ابواب: ۴۳
 طول مسجد: ۲۸۳ قدم

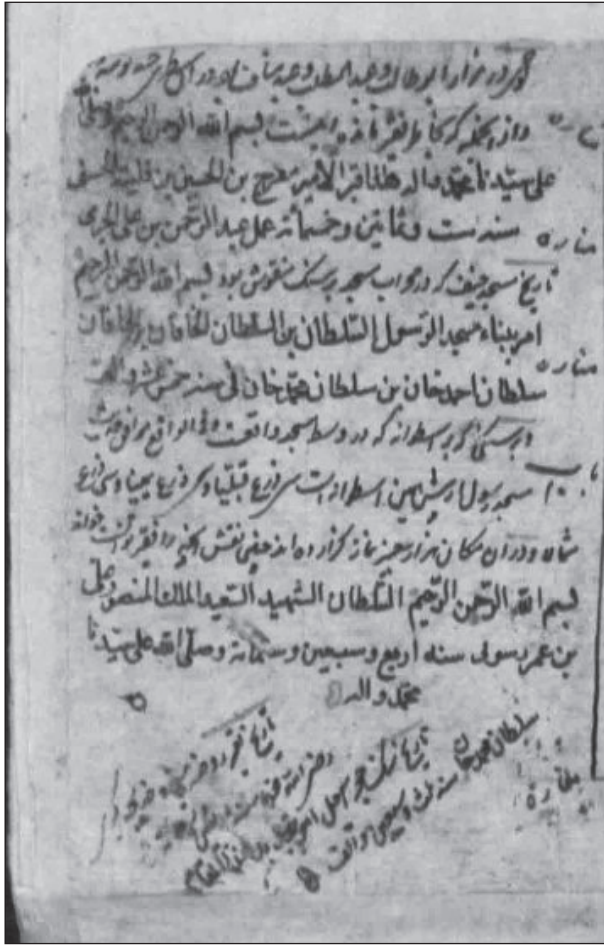
[لوح مزار ابوطالب]

لوحی در مزار ابوطالب و عبدمناف بود در آن سطرپی چند نوشته و از آن جمله که به خاطر فقیرمانده این است:

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على سيدنا محمد وآله، هذا قبر الامير مفرج بن الحسين بن فليته الحسنی سنة ست و ثمانین و خمسمائة، عمل عبدالرحمن بن علی الجرمی.

[لوح مسجد خیف]

تاریخ مسجد خیف که در محراب مسجد بر سنگ منقوش بود:



بسم الله الرحمن الرحيم، امر ببناء مسجد الرسول السلطان بن السلطان، الخاقان بن الخاقان سلطان احمد خان بن سلطان محمد خان في سنة خمس عشر و الف.

و برسنگی که بر اسطوانه ای که در وسط مسجد واقع است و فی الواقع موافق حدیث مسجد رسول از پیش همین اسطوانه است، سی ذرع قبلیاً و سی ذرع یمیناً و سی ذرع شمالاً، و در آن مکان هزار پیغمبر نماز گزارده اند، چنین نقش آنچه را فقیر توانست خواند: بسم الله الرحمن الرحيم السلطان الشهيد السعيد الملك المنصور على بن عمر رسولی! سنة اربع و سبعين و ستمائة و صلى الله على سيدنا محمد و آله.

[تاریخ تعمیر روضه مسجد خدیجه]

تاریخ تعمیر روضه ... و خدیجه کبری رضی الله عنها سنة اربعين و تسعمائة.

[تاریخ سنگ حجر اسماعیل]

تاریخ سنگ حجر اسماعیل: امر بتجدید هذا المقام سلطان محمد خان سنة ثلث و سبعين و الف.

[نسب سلاطین روم روی کتیبه مقام ابراهیم]

نسب سلاطین روم منقول از کتیبه مقام ابراهیم در سنة ۱۰۶۴ [؟] امر بتعمیر هذه القبة المباركة.

... محمد خان بن سلطان ابراهیم خان بن سلطان احمد خان بن محمد بن مراد بن سلیم بن سلطان سلیمان خان بن سلیم خان بن بایزید خان بن مراد خان، بن محمد خان بن بایزید خان بن مراد خان بن اورخان بن عثمان سنة تسع و ستين و الف

[تاریخ تعمیر مطاف]

سنگ مرمری در شادروان کعبه معظمه نصب است، در معجن هاجربه قرب باب بخت صیرفی چنین نقش کرده اند که:

بسم الله الرحمن الرحيم: امر بعمارة المطاف الشريف سيدنا و مولانا المعظم الامام المفترض الطاعة على سائر الانام ابو جعفر المنصور المستنصر بالله امير المؤمنين بلغه الله آماله و زين بالصالحات اعماله في شهر سنة احدى و ثلاثين و ستمائة.

[تاریخ تعمیر بیت شریف]

تاریخ سنگ که بر شادروان خانه نصب است در مابین حجر الاسود و رکن عراقی: امر بتعمیر البيت الشريف و المسجد الحرام السلطان بن السلطان احمد خان سنة ۱۰۳۱.

اطلاعاتی درباره شاهان صفوی در یک نسخه

در قدیم به دلایلی ماده تاریخ درست می شد. ماده تاریخ می توانست برای تولد یا وفات یا حتی یک واقعه یا تاریخ بنای یک عمارت باشد.

شاید در درجه اول برای نشان دادن نوع نگاه و بینشی بود که فرد سازنده ماده تاریخ با ملاحظه احساسات دیگران، نسبت به آن شخص داشت.

فایده دیگر و دوم این بود که راحت ترمی شد حفظ کرد.

سوم اینکه شاید دورترها، عدد و حرف، دورکن اصلی برای تفکر قدسی بود. به هر حال در منابع کهن، در یادداشت های پشت نسخه ای یا در صفحاتی از جنگ ها این ماده تاریخ ها می آمد.

شاهان و علما اهمیت بیشتری داشتند و شاهان صفوی که به ویژه سخت مورد علاقه مردم بودند، به طوری که تا ده ها سال پس از سقوط صفویه همچنان نگاه قدسی به آنان در میان توده ها بود. محتوای این صفحه را تا جایی که توانستم خواندم.

اطلاعات ارائه شده فهرستی از تواریخ برای تولد و جلوس و وفات و سال های پادشاهی است. یک مورد درباره شاه عباس گویا اشتباه بود که ۲۴ سال آمده بود، در حالی که از ۹۹۶ تا ۱۰۳۸، ۴۲ سال می شود. بخش پایین صفحه نام یکی دو نفر هست که خراب شده بود و امکان خواندنش نبود.

تاریخ جلوس شاه اسماعیل ماضی انار الله برهانه: (چهارده ساله بود) ۹۰۶

زوال خارجیان

و ایضاً: شمشیرنامه

ایضاً: مذهبنا حق

تاریخ وفات:

شاه جهان کرد جهان را وداع

وفات ۹۳۰

پادشاهی ۲۵

تاریخ جلوس شاه طهماسب (انار الله برهانه)

ظل: ۹۳۰

دوازده ساله بود

و ایضاً:

جای پدر گرفتاری کردی جهان مسخر تاریخ سلطنت شد، جای پدر گرفتاری

تاریخ وفات: ۹۸۴

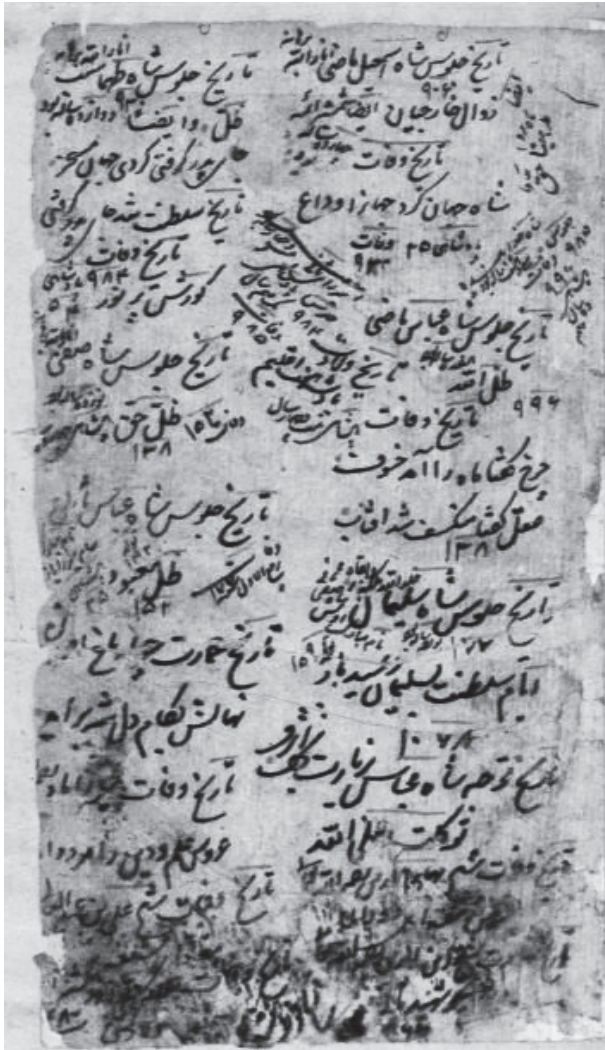
گورش پرنور

پادشاهی ۵۴

امیر اسماعیل ثانی

جلوس ۹۸۴

بیست و چهار ساله بود



پادشاهی یک سال و نیم

وفات: ۹۸۵

شاه خدا بنده سی و هشت ساله بودند

جلوس: ۹۸۵

وفات: ۹۹۶

پادشاهی ده سال

تاریخ جلوس شاه عباس ماضی: ظل الله، ۹۹۶

هفده ساله بود

تاریخ ولادت پادشاه هفت اقلیم

تاریخ وفات: چرخ گفتم ماه را آمد خسوف

عقل گفتم منکسف شد آفتاب: ۱۰۳۸

پادشاهی بیست و چهار سال؟ [چهل و دو سال]

تاریخ جلوس شاه صفی (انار الله برهانه)

ظل حق: ۱۰۳۸

نوزده ساله بود

پادشاهی چهارده سال

وفات: ۱۰۵۲

تاریخ جلوس شاه عباس ثانی (نام مبارک سام میرزا)

ظل معبود: ۱۰۵۲

پادشاهی ۲۵ سال

تاریخ عمارت چهارباغ اصفهان: نهالش بکام دل شه برآید

تاریخ جلوس شاه سلیمان خلدالله ملکه و بقاءه

ایام سلطنت سلیمان رسید باز: ۱۰۷۷

تولد: ۱۰۵۹

نوزده ساله بود

نام مبارک اولش صفی ثانی بود

تاریخ توجه شاه عباس زیارت نجف اشرف: توکلت علی الله

تاریخ وفات میرداماد ...

عروس علم و دین را مرده داماد

تاریخ وفات شیخ علی بن عبدالعالی:

مفتدای شیعه

تاریخ وفات شیخ بهایی: افسوس ز مفتدای دوران

بیتی از شاه عباس اول

شاه عباس ماضی صفوی پادشاهی بزرگ است و مراسم ملک داری و کیاست و تدبیر مملکت آرایی و ریاست براو ختم بوده، به راه نمایی تدبیر تا مدت چهل سال ریاست سلطنت در تمامت مملکت ایران

افراشته و بناهای عالی نهاده که بعضی از آنها تاکنون برپاست. در شعر نیز بریطی داشته. این فرد از اوست:

هر کس برای خود سرزلفی گرفته است / زنجیر از آن کمست که دیوانه پر شده است

یکی از ابنیه عالییه مسجدی است که آن پادشاه ولایت نشان در اصفهان در میدان نقش جهان به اتمام رسانید و قلم دوزبان از شرح وصف آن مسجد عاجز است. واهب این مصرع را تاریخ اتمام او یافته، بحق لایق آن مسجد است. فرد:

شد در کعبه در صفاهان باز

شیخ احمد احسایی، فتحعلی شاه و لذت زنان جزایر واق

فتحعلی شاه چندین سؤال از شیخ احمد احسایی دارد که جالب توجه بوده و نشانگر عمق چیزی است که در ذهن این پادشاه وجود داشته است. در سؤال چهارم از شیخ درباره مقایسه تنعمات دنیوی و اخروی سؤال می‌کند که آیا «هو مشابه لتنعم الدنيا»؟

شیخ جواب می‌دهد که همه این لذات و تنعمات شبیه هم هستند، در «الفواکه، و المطاعم، و الملايس و السلطنة، و العزه». همه اینها شبیه همان نعماتی هستند که در دنیا هست. البته آنچه در آخرت است اصل است و آنها که در دنیا است، فقه یک «مثال» است؛ یعنی لذت آخرت کیفی تراست. به علاوه که چیزهای بد دنیایی هم آنجا نیست.

سپس شیخ احمد مثالی می‌زند تا نشان دهد گرچه ماهیت این لذات یکی است، اما در آنچه در آخرت هست، در کیفیت چندین برابر لذتی است که در دنیا است. برای این مسئله از زنان منطقه «واق واق» مثال می‌زند. این عنوان که برخی آن را خیالی دانسته و برخی واقعی می‌دانند [به منابع رجوع کنید] و مثلاً جزایر ماداگاسکار را مثال می‌زند، به عنوان جایی که لذت زنان آن شگفت‌انگیز است، از سوی شیخ احمد برای فتحعلی شاه مثال زده می‌شود: لذلک مثلاً و هو ما فی جزائر الواق الواق... ولقد نقل المورخون ان بعض المسافرين تلک النواحی دخل هذه الجزيرة، و قطف مناء نساء، فواقعها، فوجد لذة لم یجدها فی نساء اهل الدنيا». لذتی یافت که در تمام زنان دنیا وجود نداشت.

آن‌گاه می‌گوید:

گفته‌اند که در آنجا وقتی مردی را می‌بینند، با دست اشاره می‌کنند که بیا «أقبل» و در کلامشان می‌گویند: واق واق. برای همین آن جزیره به واق واق معروف شده است.

در سؤال دیگری فتحعلی شاه که قریب دویست زن عقدی و صیغه‌ای داشته می‌پرسد: هل نکاح أهل الجنة کنکاح أهل الدنيا ام لا؟ آیا نکاح با بهشتیان مانند نکاح با اهل دنیا است؟ شیخ احسایی می‌گوید: بلی، نکاح اهل جنت همان نکاح اهل دنیا است، جز اینکه در آنجا هر نکاحی با «اهل جنة الدنيا» هفتاد برابر چیزی است که در دنیا است و نکاح با «اهل جنة الاخرة» برابر با چهار هزار و نهصد مرتبت است. آن‌گاه توضیحات دیگری هم از لطافت بهشتیان داده که «لما كانت ابدانهم فی کمال اللطافة...» که بنده از ادامه نقل آن معذورم.

در ناسخ التواریخ (قاجاریه: ۱/۵۵۸) از ۱۵۷ زوجه فتحعلی شاه به اسم و رسم یاد کرده است؛ زنانی که از ۶۹ تن آنها صاحب فرزند بود. فرزندان که نقش مهمی در اداره مملکت در دوره پراشوب او داشتند. این پادشاه از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ سلطنت کرد و دو جنگ بزرگ ایران و روس در همین دوره اتفاق افتاد.

ان نكاح اهل الجنة كنكاح اهل الدنيا بهيمة
 المعروفة، الا ان الله، في الجنة الدنيا بقدر
 لذّة نكاح الدنيا سبعين مرة، ولذّة نكاح
 اهل الجنة الاخرة، بقدر لذّة نكاح اهل الدنيا
 اربعة الاف مرة، تسعمائة مرة، وسدس مائة
 مرة، عن اهل الجنة كيف يقيم البقار في
 ما معاه انهم اذا انا من الموضع لم يكن
 لفوجهم فرجة الا موج الذكر خاصة ولم تكن
 زيادة في فضل الموار في الفرج بخلاف ان
 اهل الدنيا فانه اذا دخل فبين الموار في
 البقارة وهذا المعنى عن اصرح في ان نكاح
 اهل الجنة كنكاح اهل الدنيا ووجه اخر انهم
 لما كانت ابدانهم في كل لحظة كانت
 فرج هوريتة اذا فرج ذكره زوجها اجتمع فرجا